

1 بسم الله الرحمن الرحيم

2 الحکم لله ابو المظفر محمد طهاسپ بهادر سوزومیز

3 چون حضرت فیاض علی الاطلاق ومهیمن باستحقاق که گشاینده ابواب
اختیار

4 وبخشاینده اسباب عظمت و اقتدارست مقالید (والله یؤتی ملکه من یشاء) را

5 [ما داده و ابواب خزاین (تؤتی الملک من تشاء) بر روی اقبال

بیمثال ما گشاده و اینمعنی را از میامن توجه باطن اقدس

6 حضرت و امداد ارواح مقدسه حضرات میدانیم لاجرم از بدو طلوع نیر عالم

فروز و ظهور شعشعه آفتاب دولت گیتی گشا

7 و اختر بخت فیروز رعایت زمره کریمه (قل لا اسئلكم علیه اجرا الا الموده

فی القربی) و منتسبان خاندان (مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من ركب

فیها نجی)

8 بردمّت همّت والا فرض حتمی و واجب عینی شناخته اراده خاطر عاطر

و داعیه ضمیر منیر فیض مظاهر آنست که دقیقه از دقایق اعزاز و اکرام

و قاعده از قواعد مراعات و احترام

- 9 آن طبقه شریفه فرو نگذاریم و بروجهی مراقبت احوال ایشان فرماییم که
 مآثر آن بر صفحه روزگار تا انتهای زمان وانقطاع ادوار باقی ماند خصوصاً
 جمعی که ابا عنجد بخلوص ارادت
- 10 و سبق خدمت این دولت ابدی الغایه سمت اختصاص و امتیاز داشته همواره
 بنوازشات شاهانه و تفقدات خسروانه معزز و گرامی بوده باشند لهذا
 درینولا مجددًا شمه
- 11 از شفقت کامله بیضا خصال و رشحه از عنایت شامله دریا مثال شاملحال
 سیادت و نقابت پناه شریعت و افادت دستگاه سلاله اعظم النقباء و العلماء
 شرفاً للسیاده امیر سلطان ابرهیم
- 12 [الشریف فرموده] از ابتداء لوی ییل مبلغ ضمن از باب مالوجهات
 و وجوهات محالّ مذکوره ظهر فارس که سابقاً بسیورغال سیادت و مغفرت
 پناه امیر تاج الدین علی
- 13 عمزاده او مقرر بود بسیورغال ابدی و احسان سرمدی سیادت و شریعت
 پناه مشار الیه مرحمت نمودیم و دادن ارزانی داشتیم مستوفیان کرام دیوان
 اعلی رقم این عطیه را
- 14 درباره او محلد شناخته در دفاتر خلود ثبت نمایند و از شایبه تغییر و تبدیل
 مصون و محروس شناخته حکام و تیولداران و داروغگان و کلانتران و عمال
 و متصدیان
- 15 مهمات دیوانی مملکت فارس حسب المسطور مقرر دانسته محال سیورغال
 نقابت پناه مشار الیه را از حشو بنیچه اخراجات مستثنی و موصوع شناخته
 اصلاً بعلت مالوجهات و وجوهات

16 حکمی واستصوابی از علفه و علوفه و قنلغا والاغ والام و بیگار و شکار و طرح

و دست انداز و سرشمار و خانه شمار و بهاء مرغ و همیمه و رسوم داروغگی
و کلانتری جزو وکل و احداث

17 و سرغو و یرغو و سایر مطالبات بهراسم و رسم که باشد یکدینار و یکمن بار

اطلاق و حواله نموده قلم و قدم کوتاه و کشیده دارند و بهیچ وجه من
الوجوه طمع و توقعی ننمایند

18 و قضایا که میانہ رعایاء محال مزبورہ روی نماید بدان سیادت پناه رفع نمایند

که موافق قانون شریعت غرّاً بفیصل رساند رعایاء محال مذکره اورا صاحب
سیورغال خود دانسته سال بسال مالو حقوق دیوانی خود را

19 نقد بنقد و جنس بجنس بدو جواب گفته چیزی موقوف ندارند حکام عظام

فارس سیما ایالت و حکومت پناه عمده الامرائی زینالایاله علی خان تواچی
باشی امیرالامراء آتجا درینباب امداد نمایند برینجمله روند و هر ساله حکم

مجدد نطلبند تحریراً فی